

ایمان از دیدگاه قرآن کریم و عهد جدید

احسان شکوری نژاد

دانشجوی دکتری الهیات مسیحی دانشگاه ادیان و مذاهب قم

چکیده: گرایش به ایمان ارزشمندترین حقیقت تاریخ زندگانی بشر است. انسان همواره از راه ایمان با حقیقت مطلق هستی به ارتباطی درونی و عمیق همراه با اعتقاد و اطمینان دست می‌یابد. بدین لحاظ، ایمان همواره نور امید به سعادت این جهانی و جاودانگی را به مثابه هدیه و لطف الهی بر قلب آدمی به مثابه حقیقت وجود انسانی پرتوافشانی می‌نماید) در نهایت امر، نه تنها انسان خودی خود را فراموش نموده و خواست خود را مقهور خواست خداوند می‌نماید، بلکه به مقامی دست می‌یابد که به تمامی معنی و در همه ابعاد وجودی جلوه‌گر ذات حق تعالی می‌گردد. از این روی، در این پژوهش کوشش بر این است، نظر به اهمیت و جایگاه قرآن و انجیل بعنوان دو کتاب آسمانی مهم و تأثیرگذار جهان اسلام و مسیحیت، با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی مفهوم ایمان و مباحث مرتبط با آن بررسی شود) در پایان روشن شده است که این دو کتاب آسمانی در موضوع حقیقت ایمان، متعلق و آثار آن دارای دیدگاه مشترکی هستند.

کلیدواژه‌ها: دین، اسلام، مسیحیت، ایمان، قرآن، عهد جدید

۱. مقدمه

مفهوم حقیقت ایمان اساسی ترین موضوع هر دین را تشکیل می دهد، به طوری که تمام اصول بنیادین نظری و عملی هر دینی شامل اصول و فروع، برپایه آن استوار است. به عبارت دیگر، شالوده جهان بینی هر فرد مومنی نسبت به این جهان و جهان دیگر برپایه این موضوع قرار دارد. اهمیت این امر چنان است که بی شک بدون در نظر گرفتن آن دستیابی به حقیقت دین غیرممکن و ممتنع است. از این روی، ضروری است مفهوم ایمان مورد پژوهش قرار گیرد؛ زیرا بی تردید دیدگاه فرد نسبت به این موضوع بر زندگی فردی و در پی آن بر جامعه بسیار تأثیرگذار بوده تا آنجا که می تواند به انحطاط و یا به یک جامعه آرمانی مطلوب منتهی گردد. از سویی دیگر، با مطالعه سیر تاریخ اندیشه هر دینی به روشنی آشکار می گردد هر فرقه یا مسلکی اعم از کلامی، فلسفی و عرفانی داعیه دار تنها ایمان درست و راستین بوده و مدعی اند که فقط ایمان مورد نظر آنان پاسخگوی تمامی نیازهای مادی و معنوی این جهانی و آن جهانی انسان است.

اکنون، نظر به اهمیت و جایگاه این دو کتاب مهم و تأثیرگذار جهان اسلام و مسیحیت، تحقیق حاضر بر آن است تا با بهره مندی از روش موضوعی - مقایسه ای و مطالعه و ژرف اندیشی رویکرد هریک از این دو را نسبت به موضوع بررسی کند. بر این اساس آشکار می شود ایمان بنیان دین است و ماهیت آن درستی و راستی قلب و اعتماد استوار باطنی همراه با اعتماد و اطمینان به وجود خداوند است. از کارکردهای بسیار مهم ایمان اصلاح باورها، عقاید و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان مؤمن است، و در عین حال به این نکته مهم و اساسی نیز توجه دارد که نتایج به دست آمده از هر دو رویکرد تا چه میزان می تواند انسان را در دستیابی به سر منزل مقصود که همانا حقیقت دین است، یاری و مدد رساند.

۲. مفهوم ایمان در قرآن کریم

۲,۱. معنای لغوی

درباره معنای لغوی ایمان در بین بزرگان ادبیات عرب اختلاف نظر زیادی وجود ندارد. اما در این میان، ابن منظور در *لسان العرب* جامع تر از دیگران به این موضوع پرداخته است. وی چهار کاربرد گوناگون را برای سه واژه نزدیک به هم و از یک ریشه بیان کرده است؛ بدین ترتیب که: نخست، امن را به معنای مخالف ترس؛ دوم، امانت و امان را به معنای ضد خیانت، سوم، ایمان را به

معنای ضد کفر، و چهارم، باز هم ایمان را به معنای تصدیق، ضد تکذیب به کار برده است (ابن منظور، ۱۴۰۵ ق: ۲۱/۱۳).

به نظر می رسد ریشه تمامی این کاربردها یکی است، و آن امن و امان است؛ زیرا در تمام کاربردهای این واژه نوعی ترس زدایی وجود دارد، به طوری که وقتی یکی از مشتقات این واژه به کار می رود، نوعی امنیت، آرامش و زدودن ترس احساس می شود. بنابراین، می توان چنین نتیجه گرفت که دو معنای نخست و دوم یک ریشه بیشتر ندارند و در واقع، هر دو بر معنای زدودن ترس و آرامش قلبی دلالت می نمایند (صادقی، ۲۷۰: ۱۳۸۶ - ۲۷۱).

از سویی دیگر، خلیل بن احمد در ترتیب کتاب العین (خلیل ابن احمد، ۱۴۱۴ ق: ۵۶) و جوهری در الصحاح (جوهری، ۱۹۹۰ م، ۲۰۷۱/۵) بر این اعتقادند که دو معنای سوم و چهارم در واقع یک معنا و یک کاربرد بیشتر نیستند؛ زیرا کفر نیز در واقع تکذیب موضوعی خاص همچون خداوند، پیامبر^(ص) و آخرت است.

موضوع دیگر، نظر ابن فارس در معجم مقاییس اللغة درباره مفهوم ایمان به معنای تصدیق در ارتباط با معنای امن است که در این باره باید گفت تصدیق نیز در واقع ایمنی بخشیدن به کسی است که به او ایمان می آوریم، و نه اینکه با او مخالفت کنیم. بر این اساس، ایمان به شخص معنا می یابد و ایمان به گزاره یا بی معنا می گردد یا معنایی مجازی می یابد؛ زیرا ایمان به گزاره به معنای ایمنی بخشیدن به کسی نمی تواند باشد، مگر اینکه بیان گردد ایمنی بخشیدن به کسی است که این گزاره درباره اوست یا از وی صادر گردیده است، هم چون ایمان به گزاره های دین اسلام که ایمنی بخشیدن به سرچشمه این گزاره ها، یعنی خداوند و پیامبر^(ص) است، و نه مخالفت با آن ها. نکته دیگر اینکه تصدیق با همه وجود صورت گیرد، یعنی در تصدیق سکون و آرامش قلبی لازم است. اما، اگر بدون آرامش قلبی باشد و در قلب انسان اضطراب یا ترسی از کسی وجود داشته باشد، تصدیق صورت نمی پذیرد، هر چند به زبان سخنی جاری گردد که ظاهر آن بیانگر تصدیق باشد (صادقی، ۱۳۸۶، ۲۷۲-۲۷۱).

۲,۲. معنای اصطلاحی

قرآن کریم در نزدیک به ۸۸۰ آیه به طور مستقیم از ریشه امن استفاده کرده است، در حالی که اگر متضادهای این واژه و نیز موارد دیگری که نزدیک به آن است، در نظر گرفته شود، تعداد قابل

توجهی از آیات قرآن درباره موضوع ایمان قرار می‌گیرد که نقش محوری ایمان در آموزه‌های قرآنی را نشان می‌دهد. اما، با وجود این اهمیت محوری، نه قرآن کریم، و نه هیچ کتاب آسمانی دیگر به روشنی و به‌طور آشکار به تعریف این مفهوم نپرداخته‌اند. بدین معنی که روش کتاب‌های آسمانی این نیست که یک مفهوم را به‌صورت لفظی تعریف نمایند، بلکه در عمل و با بیان ویژگی‌ها و آثار این حقیقت در مواضع و حالات مختلف، مخاطب را به‌سوی فهمی کامل از ایمان پیش می‌رانند (صادقی، ۱۳۸۶: ۲۷۲ - ۲۷۳).

ازسویی دیگر، مفهوم ایمان نیز از امور عینی مادی نیست که بتوان مصداقی از آن را در عالم خارج نشان داد، بلکه از مفاهیم انتزاعی و معنوی است که تعریف مصداقی آن امکان‌پذیر نیست. بدین لحاظ، بهترین روش برای تعریف این نوع مفاهیم، انگاره‌سازی (Conceptualization) است. بدین معنی که بایستی با بررسی کاربردهای گوناگون یک مفهوم ویژگی‌های اساسی آن را به‌دست آورد، میان آن‌ها پیوند برقرار نمود، و سپس به فهمی نسبتاً جامع از آن دست یافت. البته این کار دشواری‌های خاص خود را دارد، باوجوداین مناسب‌ترین شیوه‌ای است که برای رسیدن به حقیقت آن مفهوم پیش روی ما گشوده است (ملکیان، ۱۳۸۱، ۱۵۸ - ۱۵۹).

اکنون، با مراجعه به آیات فراوان قرآن کریم در موضوع ایمان ویژگی‌های بسیاری از آن به‌دست می‌آید که می‌توان اساسی‌ترین آن‌ها را به ترتیب زیر مورد توجه و بررسی قرارداد.

۲,۳. مفهوم ایمان

۱. ایمان عملی اختیاری است؛ زیرا ایمان در آیات متعددی از قرآن، ازجمله: «ایمان آورید، هم‌چنانکه دیگران ایمان آوردند (بقره/ ۱۳)» متعلق امر قرار گرفته‌است، و پیش‌فرض هر امری امکان انجام آن از روی اراده و اختیار است (صادقی، ۱۳۸۶، ۲۷۴). بنابراین، ایمان از روی ترس جبری بوده و هیچ اثری نخواهد داشت، و درنتیجه سعادت‌بخش نیز نخواهد بود (جوادی، ۱۳۷۶: ۱۹۱): «و هنگامی که عذاب ما را مشاهده نمودند، دیگر ایمانشان برای آنان سودی نداشت. سنت خداوند است که درباره بندگانش چنین جاری شده‌است، و آنجا است که ناباوران زیان کرده‌اند (السجده/ ۸۵)».

۲. ایمان کار قلب است: «اعراب گفتند ما ایمان آوردیم. به آنها بگو: شما که ایمانتان به قلب وارد نگردیده‌است، به حقیقت هنوز ایمان نیاورده‌اید. اما، بگویید ما اسلام آوردیم

(الحجرات/۱۴)». این آیه بیانگر این موضوع است که تا زمانی که ایمان در قلب نفوذ و تأثیر ننماید، در واقع تحقق نیافته است.

۳. اطمینان قلبی برای پذیرش ایمان کافی است و نیازی به گفتار یا حتی کردار نیست: «نه اینکه به زبان از روی اجبار کافر گردد، و دلش در ایمان ثابت باشد (النحل/۱۰۶)» در این آیه بسنده بودن ایمان در قلب مشروط به دست یافتن به میزان اطمینان بیان گردیده است. البته اطمینان قلبی همچون خود ایمان قابل افزایش و کاهش است. از جمله آنکه ابراهیم^(ع) در پاسخ به فرموده خداوند که «باور نداری. گفت آری، باور دارم. اما، می خواهم که به دیدن آن دلم آرام گیرد (البقره/۲۶۰)».

۴. ایمان قابل پوشاندن و پنهان کردن است: «و مرد با ایمانی از آل فرعون که ایمانش را پنهان می داشت (الغافر: ۲۸)». این آیه نشان می دهد که قابلیت پنهان ماندن ایمان از قلبی بودن آن سرچشمه می گیرد، و آشکار می کند که مسائل ظاهری، از جمله عمل، شرط لازم ایمان نیستند. از این روی، ایمان قابل جمع با تقیه است.

۵. لازمه ایمان تسلیم محض بودن است: «نه چنین است. قسم به خدای تو که اینان به حقیقت، اهل ایمان نمی گردند، مگر اینکه در خصومت و نزاعشان فقط تو را حاکم نمایند و آنگاه به هر حکمی که کنی هیچ گونه اعتراضی در دل نداشته، کاملاً از دل و جان تسلیم فرمان تو باشند (النساء/۶۵)». در این آیه افزون بر ضرورت تسلیم، رضایت باطنی نیز شرط شده است، به طوری که بدون این شرط ایمان تحقق نخواهد یافت.

۶. ایمان قابل افزایش و کاهش است (صادقی، ۱۳۸۶: ۲۷۴ - ۲۷۵): «و چون سوره ای نازل گردد، از میان آنان کسی است که می گوید: این ایمان کدام یک از شما را افزود. اما، آنان که به حقیقت اهل ایمانند، بر ایمانشان می افزاید (التوبه/۱۲۴)». در این آیه برخی امور به روشنی موجب افزایش ایمان می گردند، همچون نزول آیات و سوره های قرآنی و تلاوت آنها. عمل صالح نیز بلندی و رفعت ایمان را موجب می گردد: «سخنان پاکیزه به سوی او بالا می رود، و کردار شایسته به آن رفعت می بخشد (ابراهیم/۲۷)». در این آیه کلمه طیب به اعتقاد بسیاری از مفسران، همان قول ثابت، یعنی ایمان به توحید و دیگر اصول اعتقادی است (جوادی، ۱۳۷۶: ۲۶۲): «خداوند کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و آخرت با سخن استوار ثابت می گرداند (فاطر/۱۰)».

۷. ایمان ازین رفتنی و قابل تبدیل به ضد خودش، یعنی کفر است: «چگونه خداوند گروهی را که پس از ایمان به خداوند باز کافر گردیدند، به راه راست هدایت می‌نماید (آل عمران/۸۶)». این آیه کفر بعد از ایمان را ممکن دانسته، و در آیه پس از آن نیز مجازات‌های شدیدی برای آن در نظر گرفته است.

۸. ایمان غیر از علم است: «آنان که به مقام علم و ایمان رسیده‌اند (الروم/۵۶)». در این آیه علم موضوعی است که در کنار ایمان به عده‌ای ارزانی گردیده است. از این روی، علم غیر از ایمان است (صادقی، ۱۳۸۶: ۲۷۵ - ۲۷۶). البته بایستی توجه نمود براساس برخی از آیات علم به نوعی در ماهیت ایمان نهفته است: «و حق را به باطل درنیامیزید، و حقیقت را با آنکه خود می‌دانید، کتمان ننمایید (البقره/۴۲)». به عبارت دیگر، ایمان فراتر از علم بوده است، و درعین حال علمی است که به زیور تسلیم آراسته است؛ بدین معنی ایمان همان اسلام است (جوادی، ۱۳۷۶: ۱۹۴). اکنون پرسش اساسی درباره چگونگی این علم است. برخی به شناخت آیه‌ای به معنای فرارفتن از ادراکات حسی و دستیابی به امری فراتر، یعنی امور غیبی معتقدند. بدین معنی، خداشناسی قرآنی تلفیقی از ادراکات حسی و تأملات و نکات عقلانی است که در ارتباط با هم وجود خداوند و اوصاف او را اثبات می‌نمایند (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۴۱): «و بگو: ستایش از آن خداوند است. به زودی آیاتش را به شما نشان خواهد داد، و آن را خواهید شناخت (النمل/۹۳)». نظریه دیگر برپایه فطری بودن شناخت خداوند استوار است که مضمون برخی از آیات با این نگاه سازگارتر است؛ همچون آیه مشهور فطری بودن دین (جوادی، ۱۳۷۶: ۲۱۸): «پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین نما، با همان سرشتی که خداوند مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خداوند تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار (الروم/۳۰)».

۹. ایمان با شک قابل جمع نیست؛ زیرا شک صفت اهل کفر شناخته گردیده است: «بلکه این کافران از وحی قرآن در شک و ریند (ص/۸)».

۱۰. خداوند از انسان برای ایمان به خودش پیمان گرفته، و پیامبران را فرستاده است تا آن پیمان را یادآوری نمایند: «و برای چه شما به خداوند و رسول ایمان نیاوردید، در صورتی که رسول حق شما را به راه ایمان به پروردگارتان دعوت می‌کند، و خداوند هم از شما پیمان ایمان گرفته است (الحدید/۸)». این موضوع به نوعی دیگر بیانگر فطری بودن ایمان به خداوند است.

۱۱. مؤمنان نیز به پیمان خود با خداوند وفا می‌کنند: «برخی از مؤمنان بزرگ‌مردانی هستند، به عهده‌ی که با خداوند بستند، کاملاً وفا نمودند، و برخی به انتظار مقاومت کرده، هیچ عهد خود را تغییر ندادند (الاحزاب: ۲۳)».

۱۲. ایمان مستلزم توکل به خداوند است؛ زیرا هنگامی که ایمان وارد قلب گردید، و اطمینان به همراه آورد، در پی آن در مسائلی که پیش‌روی مؤمن است، به سبب اطمینانش به خداوند، در خود احساس ایمنی می‌کند، و کار خود را به وی می‌سپارد: «و بر خداوند توکل نمایید، اگر به وی گرویده‌اید (المائدہ/۲۳)».

۱۳. ایمان ملازم ذاتی با کردار و گفتار ندارد، و عمل ظاهری خارج از حقیقت ایمان است. اما در عین حال، به دلیل نزدیکی عمل صالح با ایمان در بیش از ۹۰ آیه قرآن ملازمه خارجی عمل صالح با ایمان برداشت می‌گردد: «مگر آنان که به خداوند ایمان آورده و نیکوکار گردیدند (العصر: ۳)». بدین معنی که لازمه خارجی و ظهور و جلوه ایمان عمل صالح است، و یکی از اعمال صالح اقرار زبانی است. از این روی، اگر عمل صالح نباشد، از ایمان پرده برداری نمی‌شود. البته این در صورتی است که مانعی بر سر راه عمل وجود نداشته باشد. اگر چنانچه مانعی برای عمل هم چون اکراه و اجبار در کار ملاحظه گردد، ایمان بدون عمل نیز می‌تواند واقعیت و بقاء یابد، مؤثر بیفتد و نجات‌بخش باشد.

۱۴. ایمان پس از توبه و پیش از عمل صالح است؛ بدین معنی که در آغاز بایستی از بدی‌ها رویگردان شد تا امکان تصدیق و ایمان فراهم گردد، سپس با داشتن ایمان است که می‌توان به عمل صالح روی آورد که خود می‌تواند موجب افزایش ایمان گردد: «و اما کسی که توبه کند، و ایمان آورد، و به کار شایسته پردازد، امید است که از رستگاران باشد (القصص/۶۷)».

۱۵. ایمان مرتبه‌ای برتر از اسلام است: «اعراب گفتند ما ایمان آوردیم. به آها بگو: شما که ایمانتان به قلب وارد نگردیده است، به حقیقت هنوز ایمان نیاورده‌اید. اما، بگوئید ما اسلام آوردیم، و اگر خداوند و رسول وی را اطاعت کنید، او از اعمال شما نخواهد کاست که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.» مؤمنان آن کسانی که به خداوند و رسول او ایمان آوردند، و سپس هیچ گاه شک و ریبی به دل راه ندادند، و در راه خداوند با مال و جان‌شان جهاد نمودند. اینان به حقیقت راستگو هستند. * [ای رسول] با مردم ریاکار بگو: شما می‌خواهید خداوند را به دین خود آگاه سازید، و حال اینکه او آنچه در آسمان‌ها و زمین است، همه را می‌داند، و به کلیه امور آگاه

است. * آنها بر تو به مسلمان گردیدن منت می گذارند. بگو: شما به اسلام خود بر من منت ننهید، بلکه اگر راست می گوئید خداوند بر شما منت دارد که شما را به سوی ایمان هدایت نموده است (الحجرات/۱۴-۱۷)». در این آیات اسلام آوردن عرب های بادیه نشین موضوع بحث است. آنان اسلام آوردن خود را بسیار مهم تلقی می نمودند، و براین اساس منت می گذاشتند، و خواستار پاداش نیز بودند. درحالی که خداوند می فرماید کار شما ایمان نبوده است، بلکه صرفاً اسلام آورده اید، و تا ایمان در دل های شما نفوذ ننماید، و شک و تردیدها را از دل بیرون نکنید، و با صداقت و اخلاص در راه خداوند جهاد ننمایید، نمی توان شما را مؤمن به شمار آورد. ازاین روی، خداوند شما را به سوی ایمان دعوت نموده است، نه این که صرفاً اسلام بیاورید، و به همین سبب است که خداوند بر شما منت دارد. درعین حال، اگر به خاطر تسلیم شدنتان پیرو دستورات پیامبر (ص) باشید، خداوند نیز از روی رحمت پاداش شما را ضایع نخواهد نمود (صادقی، ۱۳۸۶: ۲۷۶ - ۲۷۹).

۲.۴. متعلقات ایمان

۱. خداوند و لقای او برترین و اساسی ترین متعلق ایمان است: «هرکس به خداوند و روز قیامت ایمان آورد، و نیکوکاری پیشه نماید، البته از خداوند پاداش نیک یابد (البقره/۶۲)». و همچنین: «باشد که مردم به لقاء خداوند ایمان آورند (الانعام/۱۵۴)».

۲. پیامبر دومین موضوعی است که در آیات فراوانی متعلق ایمان معرفی گردیده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، به حقیقت به خداوند و رسولش ایمان آورید (النساء/۱۳۶)». البته دیگر پیامبران نیز متعلق ایمان شمرده گردیده اند: «ما میان هیچ یک از پیامبران خداوند فرق نگذاریم (البقره/۲۸۵)».

۳. روز واپسین سومین متعلق ایمان در آیات قرآن است: «و آنان که به آخرت ایمان نمی آورند، از آن راه راست برمی گردند (المؤمنون/۷۴)».

۴. کتاب های آسمانی، به ویژه قرآن متعلق بعدی ایمان است: «به خداوند و رسولش و به کتابی که به رسولش فرستاد، و به کتابی که پیش از آن فرستاده است، به حقیقت ایمان آورید (النساء/۱۳۶)».

۵. آیات خداوند نیز از متعلقات ایمان محسوب می گردند: «و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می آورند (المؤمنون/۵۸)».

۶. فرشتگان نیز متعلق ایمان قرار می گیرند: «و تمامی مؤمنان به خداوند و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبران خداوند ایمان آوردند (البقره/۲۸۵)».
۷. امور ناپیدا نیز متعلق ایمان هستند. در این زمینه ایمان اقتضا می نماید که مؤمن از راه اعتماد به خداوند و پیامبرش این امور ناپیدا را نیز تصدیق کند، و به آن‌ها ایمان داشته باشد (صادقی، ۱۳۸۶: ۲۸۱): «آن کسانی که به جهان غیب ایمان آوردند (البقره/۳)».

۲,۵. آثار ایمان

۱. رستگاری و نجات مؤمن حقی بر خداوند است: «و ما رسولان خود و مؤمنان را نجات می دهیم، چنانکه ما بر خود فرض نمودیم که اهل ایمان را نجات بخشیم (یونس/۱۰۳)». اما، بایستی توجه نمود ایمان شرط کافی برای رستگاری به شمار نمی آید، بلکه مؤمن فقط امیدوار به رستگاری است: «و اما کسی که توبه کند، و ایمان آورد، و به کار شایسته پردازد، امید است که از رستگاران باشد (القصص/۶۷)». رستگاری منوط به این است که انسان در چه شرایطی قرار گیرد، و سرانجام ایمان وی چگونه باشد.
۲. عمل از آثار مهم ایمان محسوب می گردد، همچنان که خداوند در سوره مؤمنون بر آن تأکید می ورزد: «بی تردید مؤمنان رستگارانند.» آنان که در نمازشان فروتند.* و آنان که از هر امر بیهوده‌ای روی گردانند.* و آنان که پرداخت کننده زکاتند (المؤمنون/۱-۴)». بدین لحاظ، اگر کسی مدعی ایمان باشد، و مانعی نیز برای انجام عمل وجود نداشته باشد، و درعین حال عامل به عمل صالح نباشد، در واقع ایمان ندارد؛ زیرا لازمه وجود ایمان در قلب انسان ظهور آن در گفتار و کردار است.
۳. خداوند خود هدایت مؤمنان را برعهده می گیرد: «پس اگر آنان نیز به آنچه شما ایمان آورده‌اید، ایمان آورند، به تحقیق هدایت یافته‌اند (البقره/۱۳۷)». کاربرد واژه "قد" که به معنای تحقق قطعی است، بیانگر آن است که ایمان خود نوعی هدایت و راه یافتگی است (صادقی، ۱۳۸۶: ۲۷۹، ۲۸۲ - ۲۸۳). مهم ترین نمود این موضوع روشن بینی‌ای است که قوه تشخیص حق از باطل را به انسان اعطاء می نماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خداوند پروا دارید، برای شما تشخیص قرار می دهد (الانفال/۲۹)». زیرا کسانی که به آخرت ایمان ندارند، در واقع هدفی نیز ندارند تا کردار خود را با آن بسنجند. از این رو، اعمال آنان در نظرشان آراسته جلوه می نماید، و

هرچه بیشتر در حیرت و سرگردانی غوطه‌ور می‌گردند (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۳۴): «کسانی که به آخرت ایمان ندارند، کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم تا سرگشته بمانند (النمل/۴)». اما درمقابل، ایمان هم موانع و حجاب‌های شناخت را کنار می‌نهد، و هم نظر به اینکه با سرچشمه حقیقت در ارتباط است، به‌نوعی از حقایق امور آگاهی می‌یابد، و به‌همین سبب به دام گمراهی و خطا گرفتار نمی‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۰).

۴. فرود آرامش بر قلب مؤمن: «او است خداوندی که آرامش و وقار بر دل‌های مؤمنان آورد تا به یقین و ایمانشان بیفزاید، و کامل‌تر از این که بودند، گرداند (الفتح/۴)». البته بایستی توجه نمود پیش‌زمینه این موضوع آشکار گردیدن صدق و راستی ایمان در آزمون‌های سخت و دشواری است که همواره پیشاپیش مؤمنان قرار دارد: «آنجا بود که مؤمنان مورد آزمایش قرار گرفتند، و به اضطرابی سخت دچار گردیدند (الاحزاب/۱۱)».

۵. ایمان با محبت ملازمت ذاتی دارد. بدین معنی که لازمه تصدیق قلبی دوستی جدایی‌ناپذیر با خداوند است و درمقابل، دشمنی سرسختانه با دشمنان خداوند: «خداوند به‌زودی گروهی می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد، و آنان هم خداوند را دوست می‌دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن‌اند، و درمقابل کافران قدرتمندند (المائدة: ۵۴)». البته باید توجه نمود این محبت با ترسی مقدس و مبارک همراه است، و به‌هنگام یاد خداوند بر دل مؤمن مستولی می‌گردد که خود موجب افزایش ایمان می‌گردد (صادقی، ۱۳۸۶: ۲۸۴ - ۲۸۵): «مؤمنان تنها کسانی هستند که هرگاه یاد خداوند شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد، و هنگامی که آیات او را بر آنان می‌خوانند، به ایمانشان می‌افزاید، و بر پروردگارشان توکل می‌نمایند (الانفال/۲)».

۶. نزول برکات زمینی و آسمانی. بدین معنی که ایمان به خداوند و استقامت در راه حق نه تنها ثمرات دلنشین آن جهانی دارد، بلکه موجب ریزش باران رحمت این جهانی نیز می‌گردد (جوادی، ۱۳۷۶: ۲۵۲): «و اگر مردم شهرها ایمان آورده، و به تقوی گراییده بودند، برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می‌گشودیم (الاعراف/۹۶)».

۳. مفهوم ایمان در کتاب مقدس

۳.۱. معنای لغوی

در کتاب مقدس (Scripture) به زبان عبری واژه‌های ایمان (ʾemunâh) و باور (hé'êmîn) از یک ریشه برخوردارند. هم‌چنین در کتاب مقدس به زبان یونانی نیز کلمات ایمان (pistis) و باور

(pisteuein) دارای ریشه یکسانی هستند. از سویی دیگر، مفهوم نهفته در واژه ایمان در زبان عبری اطمینان و وثوق و در زبان یونانی نیز اعتماد است (Vanhoye, 2005, 1\ 549).

به طور کلی مفهوم ایمان اقتضای سه امر را موجب می گردد: اقباع فهم، تسلیم اراده و اعتماد قلبی که اساسی ترین این موارد اعتماد قلبی است (هاکس، ۱۳۷۷: ۱۴۵). موضوع دیگر، متعلقات این اعتماد است که اساساً اموری هستند هم چون پیمان‌ها، سوگندها، قوانین و اشخاص. هم چنین سخنان آدمی نیز می تواند متعلق این اعتماد قرار گیرد. از این روی، اگر شخصی به فردی اعتماد نماید، در این صورت طبعاً گفته‌های وی را می پذیرد، خواسته‌های او را انجام می دهد، به روش‌های گوناگون با وی راز و نیاز می کند، امیدوارانه چشم به وعده‌هایش می دوزد، و سرانجام اتحاد با او را تجربه می نماید. بنابراین، اعتماد چنین اموری را از انسان مطالبه می نماید (Plantinga, 1983, 11).

بر این اساس است که رودلف کارل بولتمان (Bultmann Karl Rudolf م. ۱۹۷۶م) در واژه‌نامه کلامی عهد جدید کیتل (Kittel's Theological Word Book of the New Testament) در این باره می گوید "در مسیحیت نخستین ایمان به مهم ترین واژه برای ارتباط انسان با خداوند تبدیل گردید (Plantinga, 1983, 11)؛ زیرا که این واژه به آنچه خداوند در ارتباط با بشر از آدمی می خواهد، دلالت می نماید (Ibid, 11).

۲, ۳. معنای اصطلاحی

در این گفتار نیز کوشش می گردد با استفاده از روش انگاره سازی به درکی نسبتاً جامع از مفهوم ایمان و ویژگی های اساسی آن در کتاب مقدس دست یافت.

واژه ایمان در عهد عتیق چندان ذکر نگردیده، اما به انواع و صورت های گوناگون به آن اشاره گردیده است، به طوری که در اشعیا (۲۲/۴۵) آمده است: «به خداوند توجه نمایید». در مزامیر (۱۴/۲۷) نیز بیان گردیده است: «منتظر خداوند باش». هم چنین در ناحوم (۷/۱) اظهار گردیده است: «توکل کنندگان بر او (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۱۴۵)». بولتمان در واژه نامه کلامی عهد جدید کیتل درباره مفهوم ایمان از دیدگاه عهد عتیق گفتار سودمندی دارد:

«ایمان باور به خداوند، تصدیق و پذیرفتن وی به معنای دقیق کلمه است. این امر شامل اعتماد و امید، خشیت و اطاعت نیز می گردد، اما تمامی این امور یکپارچه هستند؛ زیرا اعتماد اساساً ثمربخش، و در نتیجه دربردارنده غلبه بر اضطراب و اتکاء به خود است. بدین معنی که ایمان تصمیم گیری جسورانه انسان برای خداوند به منظور کناره گیری از دنیای پردردسر، و نیز نیرو و

توان خود و اتکا به خداوند است، و درمقابل آن شکاکیت قرارداد که به واسطه آن انسان از خداوند دور می‌گردد. ازسویی دیگر، ایمان به خداوند اعتماد کلی صرف نیست؛ زیرا ایمان در امری ریشه دارد که خداوند در گذشته آن را انجام داده‌است. ازسویی دیگر، ایمان رابطه استوار خود را با آینده نیز در خود دارد. این اعتماد و اطمینان بدان جهت است که خداوند آنچه را که وعده داده، انجام خواهد داد) ازاین‌روی، به‌لحاظ اطاعت فرامین خداوند ایمان رابطه استواری با زمان حال دارد که با انجام این فرامین وفای مردم به میثاق (Covenant) بایستی آشکار گردد (Plantinga, 1983, 15).

در عهد جدید نیز مظاهر و تجلیات ایمان همانند عهد عتیق مورد تأکید قرار گرفته‌است که شامل موارد ذیل می‌گردد:

۱. این واقعیت که ایمان اساساً اتکا و اطمینان به خداوند است، در سوره مهم قهرمانان ایمان، یعنی نامه به عبرانیان باب ۱۱ مورد توجه قرار گرفته‌است. ازجمله، ساره در آیه ۱۱ به وعده‌های خداوند اطمینان داشت؛ ابراهیم در آیات (۱۹/۱۷) به وعده‌های خداوند، و هم‌چنین به قدرت معجزه‌آسای او اتکاء داشت، و نوح نیز در آیه ۷ به هشدارهای خداوند مطمئن بود که به ساختن کشتی مبادرت ورزید. ازسویی دیگر، همین پیام اعتماد بر قدرت و وعده‌های خداوند، به‌طور آشکار در اشاره پولس به ایمان ابراهیم در نامه به رومیان (۱۶/۴، ۱۸) آمده‌است.

۲. اطاعت نیز از جلوه‌های دیگر ایمان به خداوند است و لازمه آن است. بدین‌معنی که بدون اعمال اطاعت‌آمیز ایمان به خداوند شکل صحیح خود را نمی‌یابد. به‌عبارت دیگر، موضوع ایمان خود نشانگر واکنش اطاعت‌آمیز در برابر خداوند است. بدین‌منظور، در نامه به عبرانیان (۸/۱۱) آمده‌است: «ابراهیم به سبب ایمان دعوت را اجابت نمود». نکته دیگر این که امیدواری همراه با گمان وقوع وعده‌ها و افعال الهی وابسته به ایمان راستین است. ازاین‌روی، در بخشی دیگر از نامه به عبرانیان (۱/۱۱) آمده‌است: «ایمان، به امیدهای ما واقعیت می‌بخشد».

۳. اما دراین‌میان، موضوع وفاداری که لازمه اعتماد کامل انسان به خداوند است، و بر آن نیز تأکید بسیاری شده‌است، دارای اهمیت بسیار بالایی است. به‌عبارت دیگر، وقتی از ایمان به خداوند سخن به میان می‌آید، بیشتر مقصود از آن اعتمادی است که لازمه ایمان راستین است، به‌ویژه پذیرش کلمات خداوند و کسانی که به‌خاطر وی سخن می‌گویند (Plantinga, 1983, 11-12).

از این رو در *انجیل یوحنا* (۲۲/۲) آمده است: «و آنها به کتاب مقدس و سخنانی که عیسی^(ع) گفته بود، اعتماد داشتند».

۴. موضوع مهم دیگر مفهوم فیض است که به معنای لطف و عنایتی از سوی خداوند است که بشر شایسته و سزاوار آن نیست. این اندیشه در *عهد جدید*، به ویژه در نوشته‌های پولس، نمود بارزی دارد) از دیدگاه وی ایمان فیض الهی است که بر انسان ارزانی می‌گردد) پولس در این باره در نامه به رومیان (۵/۱) می‌گوید: «به عیسی مسیح فیض و رسالت را یافتیم برای اطاعت ایمان». اندیشه فیض در دوره نهضت اصلاح دینی شالوده و زیربنای آموزه «آمرزیدگی تنها از راه ایمان (Justification by Faith Alone)» قرار گرفت.

بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نویسندگان عهد جدید از ایمان صرف سخن نمی‌گویند، بلکه آنان بر اموری تأکید می‌ورزند که به ظهور واقعی (Authentic Manifestation) ایمان مرتبط است، و از سوی انسان شایسته و بایسته است که انسان آنها را انجام دهد (Plantinga, 1983, 12).

۳,۳. متعلقات ایمان

۱. در عهد جدید دو نکته مهم و برجسته به چشم می‌خورد) نخست این که نه فقط خداوند، بلکه عیسی^(ع) خود نیز متعلق شایسته‌ای برای ایمان معرفی می‌گردد که این موضوع بارها با عبارت «ایمان آوردن» بیان می‌گردد) پولس در این باره در نامه به غلاطیان (۱۶/۲) اظهار می‌دارد: «ما به عیسی مسیح^(ع) ایمان آورده‌ایم تا از راه ایمان به مسیح^(ع) مورد پذیرش خداوند واقع گردیم.» دوم این که فرد برای ایماندار گردیدن بایستی به اعتقادنامه حواریون (Apostles' Creed) یعنی به مژده انجیل (kerygma) که مژده افعال نجات‌بخش خداوند است که در روز رستاخیز (Resurrection) به اوج خود می‌رسد، و نیز به فرمانروایی عیسی^(ع) در رسیدگی به مردم و تصدیق مطلوب این امور اعتقاد داشته باشد) پولس در این باره در نامه به رومیان (۱۰، ۸/۱۰) بیان می‌دارد: «این سخن دین است که ما اعلام می‌نماییم. اگر به زبان اقرار دارید که عیسی^(ع) خداوند است، و اگر در قلبتان ایمان دارید که خداوند وی را پس از مرگ زنده نمود، در این صورت نجات خواهید یافت؛ زیرا ایمانی که منجر به حقانیت می‌گردد، در قلب جای دارد، و اقراری که به نجات می‌انجامد، بر زبان جاری است.» از سویی دیگر، در این گفتار کاملاً روشن است که پولس ایمان را پذیرش قلبی و اقرار زبانی به این پیام می‌داند که عیسی^(ع) خداوند است، و پس از مرگ برانگیخته گردید

(Plantinga, 1983, 11-12). بولتمان نیز در واژه‌نامه کلامی عهد جدید کیتل درباره این گونه اعتقاد به مسیح (ع) اظهار می‌دارد "آشکار است که تصدیق عیسی (ع) به عنوان خداوند به همراه تصدیق معجزه رستاخیز وی، یعنی پذیرش راستی این معجزه ویژگی اساسی ایمان مسیحی است. این دو آموزه وحدتی درونی پدید می‌آورند. رستاخیز صرفاً یک رویداد شگفت‌انگیز و استثنایی نیست، بلکه واقعیتی مربوط به نجات بشر است که به واسطه آن عیسی (ع) خداوند (Kyrios) گردید امکان دارد این گونه به نظر رسد که ایمان مسیحی ارتباط با خداوند را در حاشیه قرار می‌دهد، درحالی که ایمانی که متوجه مسیح (ع) است، دقیقاً فعل خداوند را نسبت به مسیح (ع) پذیرفته‌است. خداوند و مسیح (ع) در نزد فرد مومن دو متعلق متفاوت از ایمان نیستند که یا هم‌رتبه باشند، و یا یکی از دیگری پیروی نماید. برعکس خداوند خود، ما را به مسیح (ع) پیوند می‌دهد (Plantinga, 1983, 12).

۲. موضوع دیگر این است که اصولاً اگر قرار است ایمان به خداوند وجود داشته‌باشد، هر چند ایمان ناقص و رشد نیافته، بایستی باور به خداوند نیز وجود داشته‌باشد. بدین معنی، فردی که حتی باور ندارد خداوند وجود دارد، نمی‌تواند به او اعتماد نماید. بی‌تردید همین نکته را نگارنده نامه به عبرانیان در نظر داشت که در گفتار (۶/۱۱) بیان می‌دارد: «هرکس می‌خواهد به خداوند تقرب جوید، بایستی باور نماید که او وجود دارد، و باور کند که او به کسانی که در طلب وی هستند، پاداش می‌دهد.» در پی این موضوع نویسندگان عهد جدید بر این اعتقادند شخصی که بر خداوند اعتماد می‌نماید، به آنچه که خداوند می‌گوید نیز اعتقاد دارد؛ بدین معنی که آن را می‌پذیرد، و این پذیرش را می‌توان نوعی شناخت دانست. از این روی، پولس در نامه به رومیان (۸،۹/۶) می‌گوید: «اگر ما با مسیح (ع) مرده‌ایم، اعتقاد داریم که با او نیز زندگانی خواهیم نمود؛ زیرا می‌دانیم که مسیح (ع) پس از مرگ زنده گردید، و هرگز نخواهد مرد.» وی هم‌چنین در نامه دوم به قرنتیان (۱۳،۱۴/۴) بیان می‌دارد: «ما نیز اعتقاد داریم، و این سخن را بر زبان می‌آوریم، می‌دانیم آنکس که عیسی مسیح (ع) را زنده کرد، ما را نیز با مسیح (ع) زنده خواهد کرد، و ما را با شما به حضورش حاضر خواهد نمود.» آشکار است این تبشیر فقط یک اعتقاد صرف نیست، بلکه اعتقاد به امری معلوم است. شاهد دیگر بر این امر این است هنگامی که پولس عقاید استوارش را درباره نقش خداوند در تجربه و سرنوشت خود بیان می‌دارد، از واژه شناخت نیز استفاده می‌نماید. همین موضوع را می‌توان در یوحنا نیز مشاهده نمود) در انجیل یوحنا (۶۹/۶) این عبارت پطرس را خطاب به

عیسی^(ع) می‌خوانیم: «و ما ایمان آورده‌ایم، و می‌دانیم که شما فرزند مقدس خداوند هستید.» بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود ایمان داشتن به خداوند همان علم به او است، و در مقابل علم به خداوند نیز همان ایمان داشتن به خداوند است (Plantinga, 1983, 14-15). بولتمان نیز در واژه‌نامه کلامی عهد جدید کیتل در این باره بیان می‌کند که ایمان و شناخت به گونه‌ای تفکیک‌ناپذیر به هم گره خورده‌اند. همان گونه که هر شناختی با ایمان آغاز می‌گردد، در ایمان نیز پایدار می‌ماند. در نتیجه، هر ایمانی ناگزیر شناخت می‌گردد. از این روی، ایمان ناب بر پایه عنصر شناخت استوار است (Ibid, 14).

۳, ۴. آثار ایمان

رهایی به واسطه مسیح (ع) Through (Christ Redemption) موضوعی حیات بخش است و در تمامی عهد جدید، آیین‌های عبادی و الهیات مسیحی جاری است و مفهوم اساسی آن این است که خداوند به واسطه مرگ مسیح (ع) بر صلیب، رهایی را به بشر گناهکار برای نجات از [عذاب] ارزانی نمود. اما، باید توجه نمود این نوع رهایی به هیچ روی از راه دیگری به دست نمی‌آید در توضیح بیشتر این موضوع بایستی اظهار نمود اصطلاح «Soteriology» از ریشه واژه یونانی «Soteria» به معنی نجات در کتاب‌های مربوط به الهیات مسیحی به معنای رشته‌ای از مفاهیم و تصوراتی به کار رفته است که پایه و اساس آنها رهایی‌ای است که با مرگ و برخاستن مسیح (ع) می‌توان به آن دست یافت. این رشته اندیشه‌ها چهار عنصر و مؤلفه اساسی دارند که عبارت هستند از:

۱. انگاره‌های (Images) مربوط به منزلت شرعی تغییر یافته یا مرتبه قانونی. مسیح (ع) به سبب اطاعت [از خواست خداوند] بر صلیب موجب آمرزش و بخشودگی گناهکاران گردید. بنابراین، برای گناهکاران نیز این امکان وجود دارد که از گناه خود پاک گردیده، و نزد خداوند عادل محسوب گردند) به عبارت دیگر، آنان از مجازات معاف می‌گردند، و در پیشگاه خداوند به مقام عدالت دست می‌یابند. اندیشه آمرزیدگی به این دسته از انگاره‌ها تعلق دارد. این اندیشه در دوره نهضت اصلاح دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید؛ زیرا در آن دوران گرایش نوینی به نوشته‌ها و آثار پولس، به ویژه نامه‌های وی به رومیان و غلاطیان پدیدار گشت. این امر بدان جهت است که در این دو اثر اندیشه آمرزیدگی از جلوه خاصی برخوردار می‌باشد. در توضیح بیشتر این موضوع باید گفت واژه انگلیسی «Justification» تلاشی است برای ارائه مصداقی از اندیشه پیچیده

عهد عتیق که مضمون آن همان مفهوم پیچیده عادل بودن نزد خداوند در عهد عتیق است. این اصطلاح پس از گذشت از سنت پیچیده ترجمه و تفسیر از زبان عبری به یونانی و از زبان یونانی به لاتین و سرانجام از زبان لاتین به انگلیسی اشاره به موقعیتی دارد که در آن آدمی نزد خداوند عادل شناخته می‌شود. البته بهتر است واژه آمرزیدگی «به صالح و شایسته بودن نزد خداوند (Being Right With God)» تعبیر گردد.

۲. انگاره‌های مربوط به روابط فردی تغییر یافته. بدین معنی که بشر با ارتکاب گناه، خود را از خداوند بیگانه ساخت. اما، «خداوند در مسیح^(ع) بود، و جهان را با خود صلح و آشتی می‌داد.» (نامه دوم به قرنتیان ۵/ ۱۹) از این رو، خداوند پیوند دوباره میان خود و بشر را ممکن و قابل دستیابی کرد. به عبارت دیگر، درست همان گونه که افراد بشر ممکن است پس از مدتی دوری از یکدیگر، باردیگر با بخشیدن و آشتی به همدیگر نزدیک گردند، به همین ترتیب نیز کسانی که از خداوند دورند، می‌توانند به واسطه مرگ مسیح^(ع) به "مقام" قرب وی دست یابند.

۳. انگاره‌های مربوط به آزادی. بدین معنی، کسانی که اسیر نیروهای ستمگر، یعنی شر، گناه و بیم از مرگ هستند، می‌توانند خود را به واسطه مرگ مسیح^(ع) آزاد سازند. همان گونه که عیسی^(ع) از زندان مرگ آزاد گشت، مومنان نیز براساس «آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد (نامه به غلاطیان ۵: ۱)،» می‌توانند از راه ایمان از قید و بندهای گناه آزاد گردند، و به کمال زندگانی دست یابند. اندیشه‌هایی به این دسته از انگاره‌ها تعلق دارد.

۴. انگاره‌های مربوط به بازگشت به سلامتی. بدین معنی، کسانی که به خاطر گناه سلامت خود را از دست داده‌اند، می‌توانند به دلیل بر صلیب رفتن مسیح^(ع) باردیگر آن را به دست آورند؛ زیرا مسیح^(ع) به سبب رفتن بر صلیب و برخاستن می‌تواند زخم‌ها و جراحات بشر را التیام بخشد، شفاء را برای او به ارمغان آورد، و سلامتی روحی‌اش را باردیگر به وی بازگرداند. همان گونه که در اعمال رسولان (۱۲/۴) چنین آمده‌است: «و در هیچ کس غیر از او نجات نیست؛ زیرا که اسمی دیگر در زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان باید ما نجات یابیم.» اندیشه نجات (Salvation) به این دسته از انگاره‌ها تعلق دارد (McGrath, 1999, P.101 – 102).

۴. نتیجه‌گیری

در تاریخ تفکر اسلامی مفهوم ایمان همواره یکی از مهم‌ترین مباحث در اندیشه اسلامی بوده است؛ زیرا با تبیین حدود ایمان ملاک عدم خلود در آتش مشخص می‌گردد. از این روی، با توجه به ویژگی‌های ذکر گردیده، درباره ایمان می‌توان چنین گفت که ایمان عملی اختیاری و تصدیقی قلبی است که با تسلیم قلبی و رضایت باطنی همراه بوده، و اطمینان‌آور است. همچنین ایمان قابل افزایش یا کاهش، و نیز قابل تبدیل گردیدن به کفر و تکذیب است، و به دلیل قلبی بودن قابل پوشاندن است. از سویی دیگر، ایمان غیر از علم است، هر چند به نوعی در ماهیت ایمان نهفته است، اما در عین حال با شک قابل جمع نیست. موضوع اساسی اینکه ایمان شناخت خداوند در درون انسان و به صورت فطری بوده، و پیمانی است که خداوند از آدمیان گرفته و پیامبران نیز یادآور آن پیمانند، و در مقابل نیز مؤمنان به پیمان خود متعهد و وفادارند. ایمان مستلزم توکل بر خداوند است، و هر چند با گفتار یا کردار ملازم ذاتی ندارد، اما در صورت نبودن مانع ملازم خارجی با اقرار زبانی و عمل ظاهری دارد. از این روی، اقرار زبانی نشانه رسمی و اجتماعی ایمان است، و اعمال ظاهری دیگر، تجلیات ایمان و نیز اثبات‌کننده ایمانند.

موضوع دیگر، رابطه اسلام و ایمان است که در این باره می‌توان چنین گفت ایمان مرتبه‌ای برتر از اسلام است؛ زیرا اسلام افزون بر اینکه نام دین خداوند و بُعد بیرونی آن است، مرحله تسلیم گردیدن ظاهری است که تحقق آثار دنیوی را بدنبال دارد، اما ایمان بُعد درونی و قلبی دین خداوند است که آثار آخرتی را واجب می‌گرداند. به عبارت دیگر، اسلام جنبه سلبی دارد، و ایمان جنبه ایجابی. بدین معنی که اسلام تسلیم اراده دیگری گردیدن است، و ایمان دل به دیگری دادن است. اسلام رهاسازی از خود است، و ایمان حرکت دادن به خود است؛ اسلام مقهوریت است، و ایمان محبوبیت؛ اسلام براساس بیم و خوف است، و ایمان بر پایه امید و رجاء است.

در تاریخ اندیشه مسیحی نیز موضوع مفهوم ایمان به عنوان یکی از اساسی‌ترین مباحث در اندیشه مسیحی مطرح بوده است؛ زیرا فقط از راه ایمان است که فرد به نجات و رهایی دست می‌یابد. ایمان پذیرش قلبی و اقرار زبانی اعتماد و اطمینان به خداوند و عیسی مسیح^(ع) است. ایمان هر چند فیض خداوند است، اما بر پایه عنصر شناخت استوار است. از سویی دیگر، لازمه ایمان اطاعت از خداوند، و وفاداری کامل به اوست. سرانجام این که ایمان موجب رهایی فرد ایماندار از مرگ، گناه و شر می‌شود که در نتیجه وی به سلامت روحی و کمال زندگانی دست می‌یابد که نهایت آن نیز رسیدن به مرتبه آمرزیدگی است که از آن می‌توان به صالح و شایسته بودن نزد

خداوند تعبیر نمود. به عبارت دیگر، فرد ایماندار به چنان شایستگی دست می‌یابد که می‌تواند هم‌نشین خداوند گردد. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که قرآن کریم و کتاب مقدس درباره مفهوم ایمان، متعلقات و آثار آن دیدگاه مشترکی دارند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۵ ق)، *لسان العرب*، ج ۱۳، قم، نشر ادب الحوزه.
۳. جوادی، محسن (۱۳۷۶)، *نظریه ایمان در عرصه قرآن و کلام*، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۹۹۰ م)، *الصحاح*، ج ۵، تحقیق: احمد عبدالعزیز عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.
۵. خلیل ابن احمد (۱۴۱۴ ق)، *ترتیب کتاب العین*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۶. صادقی، هادی (۱۳۸۶)، *عقلانیت/ایمان*، قم، انتشارات کتاب طه.
۷. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۷)، *المیزان*، ج ۱۵، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۸. کتاب مقدس
۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *مسئله شناخت*، قم، انتشارات صدرا.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، ج ۷، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامی.
۱۱. ملک‌یان، مصطفی (۱۳۸۱)، *راهی به رهایی؛ جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت*، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
۱۲. هاکس، جیمز (۱۳۷۷)، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، انتشارات اساطیر.
13. McGrath, Alister E. (1999), *Reformation Thought; An Introduction*, Oxford, Blackwell Publishing.
14. Plantinga, Alvin, Wolterstorff, Nicholas (1983), *Faith and Rationality; Reason and Belief in God*, Notre Dome, University of Notre Dome Press.
15. Vanhoye, Albert (2005), "Faith", *Encyclopedia of Christian Theology*, Ed. Jean – yves Lacoste, V.1, New York, Routledge.

